

بررسی اعجاز مراحل رشد انسان براساس آیه ۲۰ سوره حدید

محسن خوشفر^۱، راحله رحمانی حسین آبادی^۲

^۱ دکترای تفسیر تطبیقی، مدرس حوزه دانشگاه

^۲ طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهراء خوراسگان (نویسنده مسئول)

چکیده

یکی از وجوه اعجاز قرآن که در دوره های اخیر مورد توجه قرآن پژوهان معاصر قرار گرفته اعجاز روانشناختی قرآن کریم است. قرآن به عنوان کتاب هدایت در حوزه علوم انسانی به فراوانی سخن گفته است از اینرو ضرورت بحث پیرامون رابطه قرآن و علوم انسانی بیشتر احساس میشود. این نوشتار به روش کتابخانه ای و با بهره گیری از یافته های روانشناسی به صورت توصیفی پس از تبیین روانشناسی رشد و بیان نظرات مختلف پیرامون این موضوع به تبیین مراحل رشد انسان پرداخته و مراد از رشد در این آیه را رشد روحی و روانی انسان بیان میکند. در مجموع می توان گفت: با توجه به اینکه یکی از کاراییهای معجزه آنست که فرد منکر با دیدن آن معجزه مؤمن شود، به نظر میرسد این آیه یکی از گزاره های شگفت انگیز قرآن است نه معجزه علمی و با توجه به این که هر چند علوم طبیعی و انسانی هر دو در حوزه علوم تجربی قرار دارند ولی به خاطر ویژگیهای علوم انسانی از جمله نسبی بودن ادعاهای مطرح شده در این علم، دلیل قاطعی بر انطباق آن نظریه با حقیقت وجود ندارد و مشکل است که اخبار غیبی قرآن با نظریه های علوم انسانی تطبیق داده شود. از اینرو اثبات اعجاز در این حوزه و بررسی و نقد آن دشوار است. از اینرو می توان این آیه را به عنوان یکی از شگفتیهای بی نظیر قرآن پذیرفت نه به عنوان معجزه علمی.

واژه های کلیدی: قرآن، رشد، اعجاز، اعجاز علمی، آیه ۲۰ حدید

۱- بیان مسأله

آموزه های قرآنی در ابعاد مختلف جامع و جهان شمول می باشد و سعادت دنیوی و اخروی انسان را از جنبه های مختلف در نظر گرفته است. تاکنون ابعاد مختلفی از اعجاز قرآن کشف شده است که از مهمترین آنها می توان به اعجاز بیانی، اعجاز تشریحی و اعجاز علمی قرآن اشاره کرد. البته اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی از مباحث جدیدی است که در دوره های اخیر مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است. یکی از انواع اعجاز قرآن کریم که توجه قرآن پژوهان و روانشناسان را به خود جلب کرده است اعجاز روان شناختی می باشد. اعجاز روان شناختی به اعجازهای قرآن در زمینه روح و روان افراد و جامعه اشاره دارد. در این نوشتار به بررسی مراحل رشد روحی و روانی انسان طبق آیه ۲۰ سوره حدید به عنوان یکی از شگفتی های علمی قرآن پرداخته می شود.

در زمینه اعجاز علمی قرآن کتاب های زیادی نگاشته شده، که پیشینه آن به اوایل قرن چهاردهم برمی گردد. اعجاز روان شناختی قرآن نیز به عنوان یکی از ابعاد اعجاز علمی قرآن از موضوعات جدید در حوزه اعجاز قرآن می باشد و امین خولی (۱۹۶۵م) را می توان پایه گذار این بعد از اعجاز قرآن دانست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۸۸) امین خولی این بعد از اعجاز را در چند نوشته خویش از جمله «البلاغه العربیة و اثر الفلسفة فیها»، مدخل «تفسیر» دائرة المعارف الاسلامیة و مقاله ای در مجله دانشکده ادبیات قاهره با عنوان «البلاغه و علم النفس» مطرح کرده است.

از دیگر آثار نگاشته شده در زمینه اعجاز روان شناختی «الاعجاز النفسی فی القرآن الکریم» از دکتر مصطفی رجب و «الاعجاز النفسی و تربوی فی القرآن الکریم و السنة المطهره» از دکتر عبدالرحمن العیسوی در سال ۱۴۲۸م انتشار یافته است.

همچنین در حوزه بهداشت روان، اخلاق و روان شناسی اسلامی آثار فراوان دیگری نگاشته شده که به بررسی گزاره های قرآنی در مباحث روان شناسی پرداخته و به طور ضمنی و غیر مستقیم به اعجاز روان شناختی اشاره نموده اند، ولی هیچ کدام ادعای اعجاز نکرده اند. این آثار عبارت است از:

قرآن و روان شناسی از محمد عثمان نجاتی؛ قرآن و بهداشت روان از دکتر احمد صادقیان؛ روان شناسی از دیدگاه مکتب اسلام از تقی ژاله فر؛ بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی از محمدرضا سالاری بهداشت روانی در اسلام از سید حمید فتاحی؛ اخلاق اسلامی از احمد دیلمی و مسعود آذربایجانی؛ بهداشت روانی (بررسی مقدماتی اصول بهداشت روانی، روان درمانی و برنامه ریزی در مکتب اسلام) از دکتر سید ابوالقاسم حسینی؛ آرامش روانی و مذهب از دکتر صفدر صانعی؛ بهداشت روان در اسلام از دکتر سیدمهدی صانعی؛ مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روان.

البته در این منابع به بررسی اعجاز مراحل رشد انسان از نظر روحی و روانی بر اساس آیه ۲۰ سوره حدید پرداخته نشده است، در این نوشتار برآنیم که به این موضوع پرداخته شود

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- اعجاز

ریشه (ع-ج-ز) دو معنا دارد: ۱- ضعف و ناتوانی ۲- کناره و انتهای شیء و پایان هر چیز. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۲۹۹، ج ۲، ص ۲۲۱). عجز در لغت به معنای ضعف و ناتوانی است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۶۹) راغب گوید: ریشه واصل واژه عجز، تأخر از چیزی و وقوع آن به دنبال امری است، ولی در عرف به معنای قصور و ناتوانی از انجام کار متداول شده است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۵۳). اعجاز در اصطلاح امر خارق عادت است که به وسیله مدعی نبوت همراه با تحدی آورده می شود تا به وسیله آن دشمنان عاجز و ناتوان شوند و نشانه راستی رسالت وی می باشد. (فیروزآبادی، قاموس المحيط، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۹) مراد از اعجاز در این نوشتار اعجاز علمی در آیات قرآن است که شرایط آن در ذیل خواهد آمد.

۲-۲- اعجاز علمی

به اثبات و حیانی بودن قرآن از راه کشف دقایق علمی ناشناخته در عصر نزول و پس از آن اعجاز علمی قرآن گویند. مراد از اعجاز علمی آیات، آیاتی است که بدین صورت باشند:

۱-۲-۲- رازگویی علمی باشد؛ یعنی مطلبی علمی را که کسی قبل از نزول آیه از آن اطلاع نداشت، بیان کند؛ به طوری که مطلب علمی مدت ها بعد از نزول آیه کشف شود و این مسئله علمی به گونه ای باشد که با وسایل عادی که بشر عصر نزول در اختیار داشت قابل اکتساب نباشد.

۲-۲-۲- اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی باشد که کسی هنگام نزول آیه از آن اطلاع نداشت و پس از خبر دادن قرآن، طبق همان خبر واقع شود. (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۸۵).

۳-۲- رشد

مصدر ثلاثی مجرد از ریشه (ر-ش-د) در اصل به معنای راست بودن راه و هدایت شدن به سوی خیر و صلاح است و در منابع لغوی ضد غیّ و ضلال می‌باشد. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۷۵) رشد در اصطلاح به معنای تغییرات کمی و کیفی است که با پیشرفت زمان در طبیعت و ساخت و رفتار موجود زنده ایجاد می‌شود و در طول حیات موجود زنده ادامه دارد، این تغییرات و دگرگونی‌ها در هر دوره از زندگی توانایی‌ها، نیازها و دشواری‌هایی را به وجود می‌آورد و به همین دلیل در هر دوره آموزش و پرورش خاصی را ایجاد می‌کند. (شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ۱۳۶۴، ص ۲۰) اما مراد از رشدی که در این نوشتار با توجه به آیه ۲۰ حدید مدّ نظر است رشد روحی و روانی انسان است، چراکه چه بسا فردی پنجاه ساله باشد ولی به رشد و تکامل روحی و روانی که مورد نظر اسلام است نرسیده باشد.

۳- دیدگاه‌ها پیرامون رشد

در مورد کیفیت و نحوه رشد دو نظریه وجود دارد:

۳-۱- نظریه رشد پیوسته

۳-۲- نظریه رشد ناپیوسته (مرحله ای)

پیروان نظریه اول معتقدند رشد به طور کلی یک جریان یا فعالیت پیوسته و تدریجی بوده و دارای ماهیتی غیر متمایز و نامشخص است و هر مرحله از رشد واحد مستقلی نیست.

پیروان نظریه دوم معتقدند رشد از مراحل متمایز شده از یکدیگر، مشخص و محدودی تشکیل شده است که معمولاً در وقت مشخص آغاز می‌شود و در زمان معینی پایان می‌یابد. پیروان این نظریه مراحل رشد را به دوره‌ها و مراحل تقسیم نموده‌اند، به طور مثال پیازه روانشناس معروف رشد ذهنی را به چهار دوره اصلی و سیزده مرحله تقسیم کرده است. مراحل رشد ذهنی از نظر او عبارتند از: ۱- دوره حسی حرکتی (از تولد تا دوسالگی) ۲- دوره قبل از عملیات عینی یا اعمال ملموس (از سه تا هفت سالگی) ۳- دوره عملیات عینی (از هفت تا یازده سالگی) ۴- دوره عملیات ذهنی (صوری) (از دوازده تا پانزده، شانزده سالگی) (شرفی، مراحل رشد و تحول انسان، ۱۳۶۴، ص ۲۱)

البته همان طور که مشاهده می کنیم پیازه فقط به تقسیم بندی مراحل رشد ذهنی پرداخته در حالی که رشد انواع مختلفی دارد و فقط به یک یا دوجنبه محدود نمی شود.

۴- انواع رشد

رشد شامل انواع متعددی است همچون: رشد جسمانی و حرکتی، رشد ذهنی و عقلی، رشد اخلاقی، رشد عاطفی و هیجانی، رشد اجتماعی. همه این انواع رشد باید در کنار هم در فرد محقق شود تا فرد به رشد کامل دست یابد و اگر در هر یک از این مراحل نقص و کمبودی وجود داشته باشد رشد کامل در فرد محقق نشده است، چون علاوه بر ضرورت توازن در یک بعد از رشد، تعادل در بین ابعاد مختلف رشد نیز امری حیاتی و جدی است. به طور مثال اگر نوجوانی از نظر رشد جسمانی دارای تناسب باشد ولی رشد عقلانی او به پایه رشد جسمانی او نرسیده باشد نمی توان از او انتظار برخوردار بود و معقول و منطقی داشت. (همان، ص ۱۸۲)

پس باید توجه داشت که رشد و پرورش دواگر جداگانه و به موازات یکدیگر صورت می گیرند اما گاهی انسان رشد می کند ولی به همان نسبت پرورش نمی یابد، و اگر رشد به تنهایی و بدون پرورش باشد فرد به شکل همان کودک منتها با مساحت بزرگ تر باقی می ماند. پس باید توجه داشت که منظور از رشد تنها تغییر در حجم بدن از حیث افزایش قد و وزن نیست بلکه رشد، متضمن تحوّل و تغییر در خصایص روانی و عقلی نیز می باشد. (همان، ص ۲۰)

شخصیت به هنجار از نظر اسلام، شخصیتی است که جسم و روح در آن متعادل باشد و نیازهای هر کدام به طور متعادل ارضا شود. انسانی که دارای شخصیت بهنجار است، به جسم و سلامت و نیرومندی آن اهمیت می دهد و نیازهای آن را در حدودی که شرع مقدس جایز می داند برآورده می سازد و همزمان با آن به خدا ایمان دارد. از نظر اسلام فردی که پیرو هوای نفس خویش باشد، فردی نابهنجار است، همچنین فردی که خواسته های جسمانی خود را سرکوب می کند و با رهبانیتی افراطی و ریاضتی شدید باعث ضعف جسمی خود می شود و تنها به ارضای نیازها و تمایلات معنوی خود می پردازد، شخصی نابهنجار است، زیرا این گونه گرایش های افراطی و تفریطی با طبیعت و فطرت انسان مخالف و متضاد است. (نجاتی، قرآن و روانشناسی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۰-۳۲۹)

خداوند بیش از ده مرتبه در قرآن مراحل رشد جسمی انسان را به گونه های مختلف بیان نموده است و با توجه به این که قرآن برای هدایت و دعوت مردم به یگانه پرستی و آموزش ارزش های تازه و روش های جدید تفکر به انسان و ارشاد رفتارهای بهنجاری که صلاح فرد و خیر جامعه در آن باشد و نیز راهنمایی انسان به راه های درست تربیت و پرورش نفس به نحوی که منجر به

کمال انسانی - که متضمن سعادت انسان در دنیا و آخرت است - شود نازل شده است، از این روبه گونه ای دیگر نیز مراحل رشد انسان را به لحاظ روحی بیان می کند که اگر انسان در مهار کردن نفس خویش دچار شکست شود و غرق در لذات دنیوی شود، از هدف اصلی زندگی که کمال انسان و خدایی شدن است باز می ماند و خواسته های نفسانی انسان فی نفسه به هدف تبدیل می شود و نه تنها از حیث تسلط و حکومت انسان خارج می شوند بلکه بر انسان حاکمیت و تسلط خواهند یافت.

این مطلب را خداوند در آیه ۲۰ سوره حدید بیان کرده است، خداوند در این آیه می فرماید:

«اعلموا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُووزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید/۲۰)

بدانید که زندگی دنیا [بی که دارنده اش از ایمان و عمل تهی است] فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی تان به یکدیگر، و افزون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره اش] کشاورزان را به شگفتی آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی، سپس ریز ریز و خاشاک شود!! [که برای دنیاپرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

۵- نکات تفسیری آیه

در نگاه اول به نظر می رسد آیه صرفاً در مقام بیان ویژگی های زندگی دنیایی است اما با مراجعه به تفاسیر و منابع مختلف می توان چنین برداشت کرد که آیه علاوه بر بیان ویژگی های زندگی دنیوی به رشد روحی و روانی انسان در دوره های مختلف عمر او نیز اشاره دارد به طوری که مفسران به این آیه از ابعاد مختلف نگریسته اند.

۵-۱ - دسته اول معتقدند:

طبق این آیه غفلت، سرگرمی، تجمل، تفاخر و تکاثر دوران های پندگانه عمر آدمی را تشکیل می دهند و اشاره ای به مراحل زندگی انسان در دنیا و در واقع نوعی تحلیل روان شناختی است.

۵-۱-۱- مرحله ی کودکی است که اقتضاء این دوران لعب و بازی است. لغویون معانی مختلفی برای واژه لعب آورده اند:

۱- بازی کردن و هر عملی که نفعی از آن اراده نشود. (صفی پور، منتهی الارب، ۱۲۹۸، ج ۳، ص ۱۱۴۴) (ابن منظور، لسان

العرب، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۷۳۹)

۲- کاری را بدون هدف و مقصد صحیحی انجام دادن. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲، ص ۷۴۱) (حسینی زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۰۵)

طباطبایی "لعب" را به معنای بازی نظامداری می‌داند (که دوطرف بازی به نظام و قانون آن آشنایی دارند، مانند الک دولک و نظایر آن) که کودکان به منظور رسیدن به هدفی خیالی آن را انجام می‌دهند. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۶۴)

با توجه به آیه شریفه می‌توان گفت: مراد از لعب بازیچه‌های دنیوی است که هدف خاصی را دنبال نمی‌کند و در واقع انسان را از هدف اصلی زندگی باز می‌دارد.

۲-۱-۵ مرحله‌ی نوجوانی است که اقتضاء این دوران اشتغال به کارهای سرگرم‌کننده و دوری از مسائل جدی زندگی است، که اصطلاحاً لهو نامیده می‌شود.

لغویون در معنای لهو سه قول آورده‌اند:

۱ - خود را سرگرم کردن و به چیزی مشغول کردن و هر چیزی که انسان را از چیزی به چیز دیگر مشغول کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۱۳، جوهری، الصحاح، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۴۸۸)

۲- مشغولیتی که توأم با غفلت است. (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۱۱)

۳- آنچه انسان را از آنچه که قصد کرده و برایش مهم است باز می‌دارد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۲، ص ۷۴۸)

اما طبق آیه مورد نظر می‌توان گفت: لهو هر نوع سرگرمی و کاری است که انسان را به خود مشغول دارد و او را از انجام امور مهمی که منفعت و لذت دائمی دارد غافل کند و حسرت و پشیمانی دائمی در پی داشته باشد.

۳-۱-۵ مرحله‌ی جوانی که انسان در این دوران طالب زینت، شور و عشق و تجمل‌گرایی است.

۴-۱-۵ مرحله‌ی میان‌سالی که دوران کسب مقام و فخر فروشی است که اصطلاحاً تفاخر نامیده می‌شود. لغویون در معنای تفاخر چند معنا بیان کرده‌اند:

۱- فخر فروشی، خودبزرگ بینی و به خود بالیدن و خودستایی کردن. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۹)

۲ - مباهات کردن به مکارم و مناقبی چون اصل و نسب (طریحی، مجمع البحرین، بی تا، ج ۳، ص ۳۶۹، حسینی زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۴۱)

۳- ادعای عظمت و بزرگی و شرافت در امور ذاتی یا خارج از ذات از قبیل مال و جاه و اولاد (مصطفوی، التحقیق، ج ۹، ص ۳۸) اما مراد از تفاخر در آیه ۲۰ حدید فخر فروشی انسانها به یکدیگر و مباهات کردن هر یک به چیزهای خارجی مانند حسب و نسب و مقام است و با توجه به اینکه ماده فخر به باب تفاعل رفته دلالت بر مبالغه در اظهار آن چه به آن فخر می فروشند دارد.

۵-۱-۵ مرحله‌ی کهنسالی یعنی دوران افزایش اموال و فرزندان که انسان به فکر زراندوزی و جمع نفرات است. (رضایی اصفهانی، قرآن مهر، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۲۲۴) به این مرحله اصطلاحاً تکاثر گفته می شود که به معنای نبرد کردن، هموردی و تفاخر در کثرت مال و اولاد و قوم است (صفی پور، منتهی الارب، ۱۲۹۸، ج ۳، ص ۱۰۸۱، ابن منظور، لسان العرب، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۷) بعضی نیز آن را به معنای زیاده طلبی آورده اند. (مصطفوی، التحقیق، ج ۱۰، ص ۲۸)

اما در آیه مورد نظر مراد از تکاثر با توجه به اینکه ماده کثر به باب تفاعل رفته مبالغه در فزون طلبی و مباهات به خاطر کثرت مال و فرزندان است.

علامه طباطبایی نظر شیخ بهایی (رحمه الله) در مورد آیه را این گونه بیان می کند: «این پنج خصلتی که در آیه شریفه ذکر شده، از نظر سنین عمر آدمی و مراحل حیاتش مترتب بر یکدیگرند...» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۱۶۴)

البته این مراحل در افراد مختلف کاملاً متفاوت است به طور مثال بعضی از انسان ها شخصیت شان در همان مرحله اول و دوم متوقف گشته و تا پایان عمر در فکر بازی و سرگرمی و معرکه گیری هستند، یا افراد کهنسالی که هنوز در فکر زینت و آرایش ظاهری خود هستند، این ها نیز در مرحله سوم (زینت) باقی مانده اند، در واقع این نوع افراد هر کدام در مراحل قبلی مانده اند، این ها کودکانی هستند در سن کهولت و پیرانی هستند با روحیه کودکی، نوجوانی یا جوانی. علت اصلی این امور نیز حب ذات و توجه زیاد به جسم و مادیات دنیوی است در حالی که درست است که این امور از اقتضات هر سنی است اما این امور نباید از چارچوب مشخصی تجاوز کند.

در ادامه آیه خداوند با ذکر یک مثال و تشبیهی زیبا راه را به انسان نشان می دهد به این صورت که آغاز و پایان زندگی دنیا را در برابر دیدگان انسانها مجسم ساخته، می فرماید: "زندگانی دنیا همانند بارانی است که از آسمان نازل می شود، و چنان زمین را زنده می کند که گیاهانش کشاورزان را در شگفتی فرومی برد، سپس خشک می گردد، به گونه ای که آن را زرد رنگ می بینی،

سپس درهم شکسته و خرد و تبدیل به گاه می‌شود!! (كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا) در حقیقت خداوند به انسان هشدار می‌دهد که این دنیا گذرا و نابود شدنی است و آنچه مهم است زندگی ابدی و جاودانه انسان در سرای آخرت است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۵۲)

زمخشری به کاربردن تعابیر لعب، لهو، تفاخر، تکاثر و... در آیه را تعابیری تحقیرآمیز درباره حیات دنیوی دانسته است و در مقابل حیات اخروی را تکریم و بزرگ داشته است. (زمخشری، کشاف، ج ۴، ص ۴۷۸)

بعضی بزرگان در وصف دنیا گفته‌اند: الدنیا لعب کلب الصبیان و لهو و کلهو الفتیان و زینة کزینة النسوان و تفاخر کتفاخر الاقران و تکاثر کتکاثر الدهقان. (شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۳۵)

۲-۵- دسته دوم معتقدند سیاق آیه در مقام تشویق بر انفاق و صدقات است و بخل بر انفاق به خاطر حرص بر مال دنیا و بهره مندی از لذاذات دنیوی را رد می‌کند چراکه وابستگی به دنیا مانع رستگاری می‌شود. (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۳۶۱)

در مجموع در این دو نظری که از مفسران مختلف بیان شد هر یک به نوعی به مذمت این مراحل پنجگانه پرداخته و به انسان هشدار می‌دهند که مبدا فریفته این دنیای زودگذر شوی و از هدف اصلی زندگی که رسیدن به مراتب والای انسانیت و کمال انسانی است بازمانی.

۳-۵- دسته سوم معتقدند هر دوره‌ای از این دوره‌های پنجگانه هشت سال از عمر انسان را تشکیل می‌دهد، و مجموعاً به چهل سال می‌رسد، و هنگامی که انسان به این سن رسید شخصیت او تثبیت می‌گردد. (بیستونی، تفسیر جوان، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۴۲)

۴-۵- دسته چهارم به این آیه با دیدی کاملاً مثبت و ممدوح نگریده و آن را مطابق با مراحل رشد انسان از کودکی تا پیری می‌دانند، که این مراحل باید سپری شود تا فرد برای سنین سرنوشت ساز بعدی آماده گردد. (علی گلی فیروز جانی، تحول نیاز انسان به آزادی و اختیار از نگاه قرآن، ۱۳۹۶، ص ۱۵۴)

طبق نظر این گروه: ۱-۴-۵ - لعب: نخستین مرحله از مراحل زندگی انسان دوران کودکی است که اوج دوران تحرک و بازی و نشاط اوست، اودر این مرحله لذتی بالاتر از لذت بازی نمی‌شناسد و همین جنب و جوش و بازی های متنوع دوران کودکی است که کامل کننده رشد و نمو قوای بدنی و ذهنی اوست. اوج تمایل به بازی در همین دوران کودکی است و هر چه کودک بزرگتر می‌شود از نظر قوای عقلانی تکامل پیدا می‌کند و این میل در او کمتر و کمتر می‌شود. البته اگر در این مرحله این نیاز کودک

با ممانعت والدین و اطرافیان به طور کامل ارضا نشود این میل در اوبه صورت نهفته باقی می ماند . به همین دلیل است که می بینیم بعضی از افراد در دوران بزرگسالی کارهای بچه گانه انجام می دهند و حالات و روحیات بچه گانه دارند.

۲-۴-۵ - لهو : مرحله بعد دوران لهو و سرگرمی است . در این دوره انسان میل شدید به سرگرمی های مختلف پیدا می کند و همواره در پی یافتن چیزهای مورد علاقه و سرگرم کننده اش می باشد مانند مسافرت ، مسابقات و ورزش های پرهیجان و مورد علاقه اش. این مرحله از عمر که اساس آن سرگرمی و خوش گذرانی همراه با بی فکری های دوران نوجوانی است با گذر عمر و بالا رفتن سن جای خود را به مرحله بعد یعنی دوران میل به زینت می دهد . (ادوار پنجگانه عمر، ۱۳۴۶، ص ۷)

۳-۴-۵ - زینت : در این دوره میل و علاقه شدید به زیبایی و زینت های ظاهری در فرد ایجاد می شود حتی شاید یکی از علل مدگرایی جوانان به خاطر ارضاء همین میل و جلب توجه باشد، تمایل به زیبایی امری طبیعی است چراکه میل به زیبایی امری فطری است و به خاطر این میل فطری است که انسان زیبایی ها را دوست دارد و علاقمند است که خودش هم زیبا باشد ، البته مهم این است که ملاک در تعیین زیبایی ها درست باشد و انسان این حقیقت را سرلوحه زندگی خود قرار دهد که ایمان و عمل صالح زینت واقعی زندگی انسان است همان طور که خداوند در سوره آیه ۷ حجرات می فرماید: « حَبِّبَ الْإِيمَانَ وَزِينَةَ فِي قُلُوبِكُمْ »

۴-۴-۵ - تفاخر : اما دوره چهارم دوران تفاخر نسبت به داشته های زندگی است که ارتباط تنگاتنگی با امور اجتماعی دارد در این دوره فرد به لحاظ رشد شخصیتی به جایگاهی رسیده که وارد تعاملات اجتماعی شود . روانشناسان به دنبال رشد جسمی ، شناختی عنوان زاینده در برابر رکود را شاخصه روانی - اجتماعی این دوره دانسته اند.

۵-۴-۵ - تکاثر : مرحله آخر دوران تکاثر است ، فرد کهنسال در این دوران در پی فزون طلبی در دارایی های مادی و معنوی خود است تا حس کمال خواهی خود را ارضا کند. (باشی زاده مقدم، راد، پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن، ۱۳۹۶، ص ۱۷-۲)

فخر رازی معتقد است در نگاه اول با توجه به الفاظ لعب ، لهو ، زینت و... به نظر می رسد آیه در مقام تحقیر حیات دنیوی و تعظیم و بزرگداشت زندگی اخروی است اما با توجه به آیه ۳۰ سوره بقره که می فرماید: *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* و آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون که می فرماید: *أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا* و آیه ۲۸ سوره ص که می فرماید: *مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا* می فهمیم که حیات دنیوی مذموم نیست بلکه زندگی دنیوی نعمتی از نعمت های الهی است و خداوند بر ما منت گذاشته و به ما حیات بخشیده است ، همان طور که خداوند در سوره بقره آیه ۲۸ می فرماید : *كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ* . پس براساس آن چه بیان شد آیه بر مذموم بودن زندگی دنیوی دلالت ندارد، بلکه مراد آیه این است که اگر زندگی

دنیوی در راه اطاعت از شیطان و هوای نفس بگذرد مذموم است ولی اگر در راه اطاعت و فرمانبرداری از خداوند باشد ممدوح و پسندیده است. تعابیری مانند لعب و لهو و... که در آیه به کار رفته ناظر به حال دنیا طلبان است که تابع شیطان و هوای نفس خود شده اند. (فخر رازی، کبیر، ج ۲۹، ص ۴۶۴-۴۶۳)

۵-۵- دسته پنجم معتقدند به این آیه از دُبعد می توان نگریست : ۱-۵-۵- انسانی که دنیا را بازیچه ای برای رسیدن به خواسته های سرگرم کننده و ناچیز دنیایی خود در نظر گیرد و فخر فروشی و جمع ثروت را هدف اصلی خود قرار دهد که این گونه دنیا مذموم و نکوهیده است؛ چراکه موجب غفلت و انحراف انسان می شود و این گونه نگریستن به دنیا سرچشمه ی همه ی خطاها و گناهان است.

۲-۵-۵- دنیا را وسیله ی رسیدن به کمالات و نردبانی برای رسیدن به مقامات والای انسانی خویش قرار دهد، که این دنیا ممدوح و پسندیده است.

در واقع این آیه بهره بردن از بازی و سرگرمی های سالم و اموال حلال و فرزند را نفی نمی کند بلکه مقصود آن است که انسان این امور را هدف اصلی و نهایی زندگی خود قرار ندهد و هشدار می دهد که دنیا جای بازی، سرگرمی، تجمل گرایی، فخر فروشی و افزون طلبی است (پس مراقب باشید شما را از حقایق هستی باز ندارد). (رضایی اصفهانی، قرآن مهر، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۲۲۳-۲۲۵)

به نظر می رسد دیدگاه پنجم که با نگاه تفصیلی به آیه نگریسته جامع ترین نظر باشد.

۶- بیان نکات ادبی آیه

این آیه به صورت جمله مستأنفه بیان شده و بیان کننده حقارت و پستی دنیاست. (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۴۶۹) به نظر می رسد با بیان فعل امر (اعلموا) لازمه فعل امر که همان پند و اندرز و تذکر است را اراده کرده باشد. (جمل، الفتوحات الالهیه، ۱۴۲۷، ج ۷، ص ۴۲۳) در این آیه واژه «أَنَّمَا» (به فتح همزه) نظیر «إِنَّمَا» (به کسر همزه) برای افاده حصر است. بنابراین «أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» معادل «مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ...» است؛ یعنی، حقیقت زندگی دنیایی، به غیر از «لَعِبٌ»، «لَهْوٌ»، «زینت»، «تفاخر» و «تکاثر» نمی باشد. (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۳۸۲)

جمع بندی

در مجموع به نظر می رسد خداوند در این آیه با بیان ویژگی ها و اقتضائات دوران مختلف عمر انسان در هر سنی و با اشاره به زودگذر بودن و ناپایداری دنیا به انسان آگاهی می دهد که به طور صحیح و کامل از ظرفیت وجودی اش استفاده کند و فقط در

پی‌ارضای خواسته‌های نفسانی اش نباشد و در واقع دنیای زودگذر و ناپایدار را پلی برای رسیدن به زندگی ابدی و جاودانه آخرت قرار دهد نه این که سرمایه وجودیش را صرف لهو و لعب و زینت و تفاخر و تکاثر در زندگی چند روزه دنیا کند و از هدف اصلی خلقتش که همان خدایی شدن و رنگ خدا گرفتن و قرب الی الله است باز بماند. چرا که انسان موجودی مادی است، هر چه از دنیا نصیبش شود هنوز اشباع نشده و بیشتر طلب می‌کند و گاه تا به آن جا می‌رسد که دیگر بازپیچه‌ها و سرگرمی‌ها و زینت‌های ظاهری و تفاخرها و تکاثرهای دنیوی اوراسیر نمی‌کند و دچار بیماری‌های مختلف روانی می‌شود. روانشناس معروف ا. ا. بریل معتقد است انسان متدین واقعی هرگز دچار بیماری روانی نخواهد شد.

کارل یونگ روانکاو نیز می‌گوید: در طول سی سال گذشته افراد زیادی از ملیت‌های مختلف جهان با من مشورت کردند و من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام، اما از میان بیمارانی که در نیمه عمر خود به سر می‌بردند از سی و پنج سالگی به بعد حتی یک بیمار را نیز ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آن‌ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمانی به پیروان خود می‌دهند فاقد بودند و فرد آنها تنها وقتی که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند به طور کامل درمان شدند (نجاتی، قرآن و روانشناسی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۶)

اما ایمان به خدا اگر از کودکی در نفس انسان استقرار یابد نوعی مصونیت و پیشگیری از اضطراب و بیماری‌های روانی به انسان می‌بخشد. قرآن امنیت و آرامشی را که ایمان در نفس مؤمن ایجاد می‌کند این گونه توصیف می‌کند:

«إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف/۱۳)

همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما تنها خداست، سپس (بر ایمان و گفته خود) پایداری کردند، هیچ بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)

(بازگشتگان به سوی خدا) کسانی (هستند) که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باشید! دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.

۷- پیام‌های آیه با توجه به مراحل رشد

۱-۷- در بینش تربیتی اسلام، رشد از مراحل مختلفی برخوردار است.

۷-۲- هر مرحله به دلیل خصوصیات روانی و روحی و جسمی از مراحل قبل وبعد خود متمایز شده و دارای مشخصه های تعیین شده است.

۷-۳- انسان در هر مرحله دارای نیازها (احتیاجات اساسی)، علایق (تمایلات) و قابلیت های (آمادگی) خاصی است که هر کدام از این نیازها و علایق و قابلیت ها باید به درستی شناخته شود تا در جهت رشد و کمال انسان قرار گیرند.

۷-۴- در هیچ مرحله ای نباید یک جا همه مسائل را به انسان عرضه و تحمیل کرد بلکه تدریجی بودن، یک اصل مهم تربیتی در ارائه مطالب و موضوعات است. همچنان که در قرآن می بینیم خداوند نیز برای تربیت انسان ها از اصل تدریج در تعدیل رفتار استفاده کرده است، به طور مثال در زمینه تحریم ربا و شراب به یکباره دستور به تحریم ربا بیان نکرد بلکه به تدریج با اظهار نارضایتی و مذموم بودن این عمل علاقه مسلمانان را نسبت به این امور کم کرد و بعد نفرت و ناخشنودی را جایگزین آن کرد. امروزه برخی از روان درمانگران به کمک تحقیقات اسکینر به روشی دست یافته اند که تا حد زیادی شبیه همان روشی است که قرآن در مسأله تحریم شراب و ربا به کار برده است. این روش در اصطلاح به روش "تشکیل" معروف است. این روش درمانی اساساً بر ایجاد تدریجی واکنشی تکیه دارد که منظور اصلی، یادگیری آن از طریق یادگیری تدریجی انواعی از واکنش های متوسط می باشد، واکنش های متوسطی که به تدریج به سوی ایجاد واکنش مطلوب پیش می رود. استفاده از روش تدریج یا گام به گام در یاد دادن واکنش های سخت یا در روان درمانی با هدف رهاندن انسان از برخی عادت ها یا انفعالات ناخوشایند که روانشناسان معاصر اخیراً به آن رسیده اند را، قرآن چهارده قرن پیش در خصوص درمان بیماری شرابخواری و ربا خواری به کار برده است. (همان، ص ۲۶۵-۲۷)

۸- بررسی اعجاز علمی آیه

اگرچه علوم طبیعی و انسانی هر دودر حوزه علوم تجربی قرار دارند ولی به دلیل تفاوت های موجود بین این دو علم و با توجه به ویژگی های علوم انسانی اثبات اعجاز در این حوزه دشوارتر است.

برخی از تفاوت های علوم انسانی و طبیعی عبارتند از:

- ۸-۱- موضوع علوم طبیعی، طبیعت بدون اراده و اختیار است، اما موضوع علوم انسانی، انسان با اراده و اختیار و با شعور است.
- ۸-۲- هدف اساسی علوم طبیعی شناخت طبیعت و کشف روابط بین پدیده های آن برای تسلط بر آن است که قابل پیش بینی است، اما هدف علوم انسانی شناخت رفتارها و روابط انسان هاست که با توجه به اراده و اختیار آن ها کمتر قابل پیش بینی است.

۳-۸- روش در علوم طبیعی براساس آزمایش کنترل شده (محیط بسته) است که غالباً همراه با توصیف و تحلیل است، اما در علوم انسانی محیط آزمایش کم تر قابل کنترل است و بیش تر از روش توصیفی و تفسیری استفاده می شود.

۴-۸- هرچند که نظریه ها و تئوری های علمی ساخته ذهن بشر است ولی تئوری ها و قوانین علوم طبیعی به وسیله آزمایش همسان و انطباق با واقعیت عینی خارجی، قابل بررسی است، از این رو ذهنیت انسان و نسبیت کم تر در آن ها راه پیدا می کند اما نظریه های علوم انسانی بیشتر ذهنی است و کم تر قابل آزمایش همسان و انطباق با واقعیت عینی است چرا که گاهی عینیت خاصی در مقابل نظریه های علوم انسانی وجود ندارد، از این رو نسبیت در نظریه های علوم انسانی بیش تر نمود پیدا می کند.

۵-۸- مبانی علوم طبیعی در قرآن (مثل تأثیر عوامل غیر طبیعی در طبیعت) با مبانی علوم انسانی در قرآن (اعم از مبانی انسان شناسی، جهان شناسی و معرفت شناسی) متفاوت است. (رضایی اصفهانی، بررسی اعجاز تربیتی قرآن، ۱۳۹۰، ص ۹۳-۹۲)

۹- رویکردهای اعجاز روانشناختی قرآن

۱-۹- وجود گزاره های علمی مطابق با واقع (اخبار غیبی)

مقصود آنست که با پیشرفت علوم انسانی نظریاتی مطرح شده است که به عنوان نظریه های درست و کارآمد مشهور شده است و با گزاره ها، پیام ها و آموزه های غیبی قرآن هماهنگی و همسویی دارد.

۲-۹- تحول و شور آفرینی قرآن

قرآن در محیطی نازل شد که انسان ها گرفتار جاهلیت علمی و فرهنگی و عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود، اما آموزه های قرآن چنان تأثیری در بشریت گذاشت که بعد از مدتی تحول بلکه انقلابی فرهنگی، علمی، اقتصادی و اجتماعی در مردم صورت گرفت، این جهش تاریخی بشریت آن عصر که عمدتاً در حوزه علوم انسانی صورت گرفته است نوعی اعجاز علمی قرآن در بستر تاریخ است.

۳-۹- استنباط نظام برتر از قرآن

قرآن ارائه دهنده نظام تربیتی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... است که هر کدام دارای مبانی، اهداف، روش ها و آموزه های خاص خود است که در عصر کنونی می توان آن ها را با نظام های دست ساخته بشری مقایسه کرد و از جنبه های مختلف برتری و کارآمدی نظام های قرآنی را نمایان ساخت. به طور مثال نظام تربیتی قرآن جامع نگر تر و کارآمدتر و با فطرت انسان

همانگ تر است چراکه همه ابعاد وجودی انسان (جسمی، روحی، معنوی و...) را مدّ نظر دارد و انسان را به سوی کمال مطلق سوق می‌دهد و این یکی از جلوه‌های اعجاز علمی قرآن است. (همان، ص ۹۴)

۱۰- نتیجه

ممکن است به نظر برسد آیه ۲۰ سوره حدید که به بیان مراحل رشد انسان از نظر روحی پرداخته از روش‌های ابتکاری قرآن است که مراحل رشد را بر این مبنا پایه‌گذاری کرده است و از معجزات علمی قرآن در حوزه روانشناختی رشد به شمار آید، به ویژه که این جنبه از روانشناختی رشد قبل از اسلام مطرح نبوده است. اما به دلایلی که در ذیل می‌آید نمی‌توان این نظر را تأیید کرد: ۱- هرچند نقش قرآن در ایجاد تحوّل اعجاز‌آمیز روحی و روانی مخاطبان قرآن در اثر شنیدن آیات الهی انکارناپذیر است اما با توجه به این که یکی از کارایی‌های معجزه آن است که فرد منکر با دیدن آن معجزه مؤمن شود، به نظر می‌رسد این آیه یکی از گزاره‌های جالب و شگفت‌انگیز قرآن است نه معجزه علمی. ۲- همان‌طور که بیان شد با توجه به تفاوت‌های موجود بین علوم طبیعی و علوم انسانی، اثبات اعجاز علمی قرآن در حوزه علوم انسانی دشوارتر است به دلیل آن که اخبار غیبی قرآن درباره پدیده‌های طبیعی قابل انطباق با طبیعت بوده و کشفیات دانشمندان در این حوزه، صدق آن‌ها را نشان می‌دهد اما در حوزه علوم انسانی با توجه به نظریات متعدد دانشمندان این حوزه که گاهی نظریه‌های رقیب کارآمد در یک موضوع وجود دارد و هرکدام به صورت نسبی ادعای درستی دارند و دلیل قاطعی بر انطباق آن نظریه با حقیقت، وجود ندارد مشکل است که اخبار غیبی قرآن با نظریه‌های علوم انسانی تطبیق داده شود به صورتی که بگوییم این خبر غیبی قرآن مطابق با آن خبر قطعی ثابت شده و مطابق با واقع می‌باشد. همچنین این آیه متضمن اخبار غیبی نیست که ارائه دهنده یک نظام روانشناختی رشد باشد و تحوّل در حوزه دانش روانشناختی رشد ایجاد کند تا اعجاز علمی قرآن به شمار آید. البته در آیه فوق نکات جالب و شگفت‌انگیزی درباره مراحل رشد انسان به لحاظ روحی بیان شده و می‌توان این آیه را به عنوان یکی از شگفتی‌های بی‌نظیر علمی قرآن پذیرفت.

فهرست منابع

✽قرآن مجید

- ۱- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ه.ق، تفسیر التحریر والتنویر معروف به تفسیر ابن عاشور، ۳۰ جلد، چاپ: ۱، لبنان - بیروت، مؤسسه التاریخ العربی،

- ۲- احمد بن فارس بن زکریا القزوینی الرازی، ابوالحسین، ۱۲۹۹ه.ق، معجم مقائیس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، بی چاپ بیروت، دار الفکر.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۷۵ه.ش، لسان العرب، بیروت، بی چاپ، دارالبیروت.
- ۴- بیستونی، محمد، ۱۳۸۵ه.ش تفسیر جوان، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۵- جمل، سلیمان بن عمر، ۱۴۲۷ه.ق، الفتوحات الالهیه بتوضیح تفسیر جلالین للدقایق الخفیة، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۶- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ه.ق، الصحاح تاج اللغة، محقق: احمد عبد الغفور عطار، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم ملائین.
- ۷- حسینی زبیدی واسطی، مرتضی، ۱۴۱۴ه.ق، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، چاپ اول،
- ۸- درویش، محی الدین، ۱۴۱۵ه.ق، اعراب القرآن وبیانه، چاپ چهارم، دمشق، الارشاد.
- ۹- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ه.ق، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بی چاپ، لبنان، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ه.ق، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چاپ ۳، دمشق، دارالقلم.
- ۱۱- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷ه.ش، قرآن مهر، چاپ اول، قم، پژوهش های تفسیر وعلوم قرآن.
- ۱۲- -----، ۱۳۸۱ه.ش، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن چاپ ۳، رشت، نشر کتاب مبین.
- ۱۳- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ه.ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ ۳، لبنان - بیروت، دار الكتاب العربی .
- ۱۴- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ه.ش، تفسیر اثنی عشری، چاپ ۱، تهران، میقات .
- ۱۵- شرفی، محمد رضا، ۱۳۶۴ه.ش، مراحل رشد وتحول انسان، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۶- صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، ۱۳۸۸ه.ش، منتهی الارب فی اللغة العرب، تصحیح: محمد حسن فؤادیان، علیرضا حاجیان، بی چاپ، تهران، دانشگاه تهران، کتابخانه سنایی.
- ۱۷- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ه.ش، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۲، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات .

- ۱۸- طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ ه. ش، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، بی چا، تهران، مرتضوی.
- ۱۹- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ ه. ق، القاموس المحيط، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲۰- قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۸۶ ه. ش، قاموس قرآن، چاپ ۱۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱- حسن، مصطفوی، ۱۳۶۸ ه. ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۲- مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴ ه. ق، التفسیر الکاشف، ۷ جلد، چاپ ۱، قم، دار الکتب الإسلامی .
- ۲۳- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ ه. ش، تفسیر نمونه، بی چا، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۴- نجاتی، محمد عثمان، ۱۳۷۸ ه. ش، قرآن و روانشناسی، مترجم: عباس عرب، چاپ هشتم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۲۵- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶ ه. ش، تفسیر راهنما، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
- ۲۶- باشی زاده مقدم، مهر ناز، راد، علی، ۱۳۹۷ ه. ش، پنج گرایش انسانی و ادوار حیات متناظر با آن از دیدگاه دانش تفسیر قرآن و روانشناسی، شماره ۳۵.
- ۲۷- حسینی، ابوذر، بررسی اعجاز روانشناختی در قرآن کریم، شماره ۱۳، مجله تخصصی علم و قرآن
- ۲۸- رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۹۰ ه. ش، بررسی اعجاز تربیتی قرآن، شماره ۹.
- ۲۹- تفسیر قرآن کریم - سوره حدید آیه ۲۰-۲۱ / ادوار پنجگانه عمر، ۱۳۴۶، شماره ۶.
- ۳۰- علی گلی فیروز جانی، جعفر، ۱۳۹۶ ه. ش، تحول نیاز انسان به آزادی و اختیار از نگاه قرآن و نظریه های مطرح در روانشناسی، کتاب مجموعه مقالات قرآن و روانشناسی، محمد علی رضایی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی،